

منتخبات شاهنامه از فردوسی تا فروغی

دکتر محمدجعفر یاحقی^۱

زهراروح الامینی^۲

چکیده

شاهنامه فردوسی از همان آغاز طی ادوار مختلف مورد استقبال و توجه بی نظیر گروه‌های گوناگون قرار گرفته، به گونه‌ای که در طول تاریخ ادبیات ایران از هیچ اثری به اندازه شاهنامه، گزیده‌نویسی و برای آن نظیره‌گویی نشده است. این گزیده‌ها را می‌توان در نسخه‌های مستقل و با عنوان «برگزیده»، «خلاصه» و «منتخبات» شاهنامه فردوسی و یا در قالب جنگ‌ها و سفینه‌ها، ابیات منقول در آثار منظوم و منثور آمیخته به نظم مورد بررسی قرار داد. در این مقاله، ضمن احصا و دسته‌بندی گزیده‌های شاهنامه، سیر تطوّر تاریخی گزیده‌نویسی و منتخبات ابیات شاهنامه مورد توجه قرار گرفته و معلوم شده است که تا عصر اخیر بخش عمده‌ای از منتخبات شاهنامه، در خارج از مرزهای ایران فراهم آمده و غالباً گلچین ابیات شاهنامه در ایران، در برخی جنگ‌ها و آثار منظوم و منثور در دوره‌های مختلف تاریخی آمده است. رواج گزیده‌نویسی در عصر حاضر، حاصل خدمات ارزنده فروغی در زمینه شاهنامه‌پژوهی و تعیین سال ۱۳۱۳ به عنوان سال هزاره فردوسی است. این امر فعالیت‌های گسترده‌ای را در بزرگداشت فردوسی و معرفی شاهنامه در سطح جهان به دنبال داشت و انتشار چندین شاهنامه کامل و تهیه منتخباتی را در ایران سبب گردید.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه فردوسی، گزیده‌نویسی، منتخبات، فروغی.

مقدمه

شاهنامه بلافاصله پس از آن که به نظم درآمد، مورد اقبال و پذیرش عام و خاص قرار گرفت و طی قرون و اعصار، با دقت و مواظبت بسیار نوشته و نگارگری و تذهیب و تزئین شد، چنان که امروز صدها نسخه خطی کامل و ناقص از این کتاب عظیم در کتابخانه‌های عمومی عالم پراکنده

۱- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد و مدیر قطب علمی فردوسی و شاهنامه (نویسنده مسئول)

ferdowsi@um.ac.ir

۲- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد ro101050@yahoo.com

است (محبوب، ۱۳۸۷: ۶۷). علاوه بر آن، صدها خلاصه و گزیده از روی نسخ خطی و چاپی آن در گذشته فراهم شده و تا امروز نیز ادامه یافته است. بنا به کهن‌ترین گزارش، نخستین بار مسعود سعد (۴۳۸-۵۱۵ هـ.) گزیده‌ای از ابیات شاهنامه را فراهم آورد (عوفی، ۱۳۳۵: ۲۶۹) که متأسفانه از این گزیده که عوفی از آن به نام «اختیارات» یاد کرده جز نامی به ما نرسیده است.^۱ حدس زده‌اند دلیل این که در تذکره‌های ایرانی نامی از «اختیارات شاهنامه مسعود سعد در میان نیست باید این باشد که نسخه آن کتاب به ایران نرسیده بوده و عوفی که کتاب خود را در هند تألیف کرده، آن برگزیده را احتمالاً در همان دیار دیده بوده است (ریاحی، ۱۳۸۲: ۱۷۳).

در حال حاضر قدیمی‌ترین گزیده موجود از ابیات شاهنامه «اختیارات علی بن احمد است که اولین بار تقی‌زاده در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی آن را در مجله کاوه معرفی کرده است. این کتاب بنا بر مشهور در سال ۴۷۴ هجری برای ملک‌شاه سلجوقی گردآوری شده است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه گوتای آلمان نگهداری می‌شود که میکروفیلم آن نیز در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (علی بن احمد، ۱۳۷۹: ۹). مصححان این کتاب به دلیل وجود بیت‌هایی که در برخی نسخه‌های کهن نیست، این گزیده را اصیل و سزوار توجه دانسته و برآند که ضبط‌های نادر آن می‌تواند برای حل دشواری‌های برخی بیت‌های شاهنامه به کار آید (علی بن احمد، ۱۳۷۹: ۱۲). به احتمال قریب به یقین، نسخه مورد استفاده مصححان همان نسخه‌ای است که مینوی در کتاب فردوسی و شعرا در بخش نخبه‌ای از شاهنامه به آن اشاره کرده و آن را منتخب ابیات حکمتی شاهنامه دانسته که احتمالاً در قرن ششم فراهم آمده است (مینوی، ۱۳۵۴: ۱۵۱). ریاحی بر آن است که این اختیارات نه به نام ملک‌شاه سلجوقی که برای ابوالفتح ملک‌شاه بن محمد از سلجوقیان ارزشمندی فراهم آمده است. از این رو تاریخ ۴۷۴ را باید به ۵۷۴ تصحیح کرد (ریاحی، ۱۳۸۲: ۱۹۹).

گردآورنده این اختیارات در مقدمه نسخه، پس از ستایش یزدان و درود بر پیامبر و یاران و

اهل بیت - علیهم السلام - در بیان انگیزه فراهم آوردن منتخب شاهنامه می‌نویسد:

همی خواندم این نامه از بهر پند
سخن‌های شایسته دیدم بلند
از آن اختیاری بکردم چنان
که خواننده را شاد دارد روان

سپس ابیات فراهم آمده را که جمعاً ۲۴۱۷ بیت است به سیزده باب تقسیم کرده که عبارتند از: توحید (۱۶۲ بیت)، ستایش خرد و آفرینش عالم (۱۰۹ بیت)، ستایش پیامبر و اهل بیت (ع) (۳۰ بیت)، مدح ملوک (۱۳۹ بیت)، غزل و وصف خوبان (۴۱ بیت)، وصف بزم و بهار (۴۷ بیت)، تشبیه شب و روز (۱۶۶ بیت)، امثال و حکمت (۸۰۸ بیت)، وصف جنگ (۲۲۱ بیت)، نکوهش جهان (۲۷۱ بیت)، پند و موعظه (۲۵۳ بیت)، وصف پیری (۶۹ بیت) و وصف مرگ (۱۰۱ بیت). علاوه بر این، علی بن احمد خود ۱۳۹ بیت در سرآغاز و معرفی باب‌های این منتخب و ۶۱ بیت در ستایش ملک‌شاه در انجام این اختیارات به سبک فردوسی سروده است.

متأسفانه این گزینشگر در نقل برخی ابیات و مصراع‌ها امانت‌دار نبوده و گاهی برای هماهنگی و مطابقت بیشتر ابیات گزینش شده، به عمد تغییراتی در آن‌ها به وجود آورده است. این گونه تصرفات در متن مصحح جیحونی و فشارکی در پای صفحات نشان داده شده است.

خالقی مطلق بر آن است که اگر به جای ۲۱۴۷ بیت این اختیارات، تنها صد بیت از متن شاهنامه‌ای که در سال ۴۷۴ هجری در دست بوده، با امانت از متن اصلی یا از یک دستنویس معتبر نقل می‌شد، ویژگی‌های متن شاهنامه را بیشتر از این اختیارات که اکنون در دست است، نشان می‌داد (خالقی مطلق، ۱۳۷۲: ۱۱۶). بنابراین در اصالت ضبط ابیات این اختیارات باید جانب احتیاط را فرو نگذاشت.

یکی دیگر از منتخبات شاهنامه که آن را در حقیقت باید به عنوان نخستین ترجمه شاهنامه هم به زبانی دیگر شناخت، ترجمه قوام‌الدین فتح بن علی بن محمد بنداری اصفهانی (متوفی به سال ۶۲۴ هجری قمری) به زبان عربی است که برای ملک معظم عیسی بن ملک کامل ابوبکر ایوب فراهم آمده است. از آنجا که بنداری در ترجمه، بخش‌هایی از شاهنامه را حذف و خلاصه کرده است، این اثر را می‌توان به گونه‌ای نخستین خلاصه کامل شاهنامه نیز به شمار آورد. ترجمه این کتاب در ماه جمادی الاول سال ۶۲۰ هجری قمری آغاز و در شوال ۶۲۱ در دمشق به پایان رسیده است. نسخه موجود ترجمه بنداری متعلق به سال ۶۷۵ هجری قمری یعنی همزمان با قدیمی‌ترین نسخه کامل و شناخته‌شده شاهنامه محفوظ در موزه بریتانیا است. از این رو این ترجمه همواره به عنوان یکی از منابع عمده برای تصحیح شاهنامه، مورد توجه بوده است. این نسخه را عبدالوهاب عزّام، ادیب مصری، در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی تصحیح و عبدالمحمد آیتی در سال ۱۳۷۹ به فارسی روان ترجمه و

بازگردانی کرده است. مشکل این است که نمی‌دانیم بنداری کدام تحریر شاهنامه را در دست داشته، و آیا آنچه از شاهنامه موجود در این ترجمه نیامده، در متن مورد ترجمه وی هم نبوده، یا این که او به ذوق خود برخی مطالب را حذف کرده است. شاید تحریر نخست شاهنامه در اختیار وی بوده است، همان که فردوسی بعدها و در تحریرهای دیگر، داستان‌ها و حوادثی بر آن افزوده است (علی بن احمد، ۱۳۸۲: ۵۵).

در پایان ترجمه شاهنامه بنداری، تاریخ اتمام شاهنامه سال ۳۸۴ ذکر شده و همین امر بسیاری از محققان را بر آن داشته تا تحریر نخست شاهنامه را نسخه مورد استفاده بنداری بدانند. از این تاریخ نباید چنین نتیجه گرفت که دستنویس اساس این ترجمه، مستقیم یا غیرمستقیم به سال ۳۸۴ برمی‌گشته است، چون دستنویس‌های شاهنامه را بعدها از روی یکدیگر تکمیل کرده‌اند و اگر جز این می‌بود، حجم ترجمه بنداری و دیگر دستنویس‌هایی که تاریخ ۳۸۴ را ذکر کرده‌اند باید نیمی از این می‌بود که هست. با این همه محتمل است که عدم ذکر برخی بیت‌ها و روایات در این ترجمه با تاریخ ۳۸۴ مرتبط باشد، ولی باید به علل دیگری چون عدم اصالت برخی بیت‌ها و روایات، از قلم افتادگی برخی ابیات دیگر و به‌ویژه شیوه تلخیص و حذف برخی مطالب نیز توجه داشت (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۲۹۹ و ۳۰۰). برای نمونه در این کتاب از روایت کشتن رستم پیل سپید را و رفتن به کوه سپند و وقایع مربوط به رفتن رستم به البرزکوه در جستجوی کیقباد، سوگواری تهمینه در مرگ سهراب، مرگ مادر سیاوش، پیوند سیاوش و جریره و تولد فرود، خواب دیدن انوشیروان پیغمبر اسلام را و ... خبری نیست و این در حالی است که همه این بخش‌ها در شاهنامه مسکو و چاپ خالقی جزو بخش‌های الحاقی آمده است.

از آنجا که تاریخ تحریر نخست شاهنامه ۳۸۴ هـ ق و تاریخ جلوس محمود غزنوی ۳۸۷ هـ ق است، انتظار این است که در تحریر اول شاهنامه اثری از مدح و ستایش محمود و وزیران و امیران دربار غزنوی نباشد، حال آن که به استناد ترجمه بنداری، فردوسی این نسخه شاهنامه را به نام محمود کرده و در چندین جا نیز ابیات ستایشی فردوسی در وصف محمود را آورده است. بنابراین، فرض این که ترجمه بنداری از روی تحریر نخست شاهنامه صورت گرفته، صحیح نیست. تنها می‌توان تصور کرد که بنداری در ترجمه خود بیش از یک نسخه از شاهنامه را در اختیار داشته و به احتمال، تحریر نخست شاهنامه یکی از آن نسخه‌ها بوده باشد. حذف و جابه‌جایی برخی ابیات شاهنامه که در این ترجمه از روی آگاهی

و دقت صورت پذیرفته این احتمال را قوت می‌بخشد که بنداری به هنگام ترجمه هر جا که لازم دانسته دست به تصحیح ابیات شاهنامه زده است.

شیوه بنداری را می‌توان حد وسطی از ترجمه و تلخیص دانست. این ترجمه فاقد ابیات دیباچه شاهنامه و برخی داستان‌ها و روایت‌های فرعی - که اتفاقاً بیشتر آن‌ها بعدها الحاقی دانسته شده - و اغلب مقدمه‌های آغاز و ابیات حکمی انجام داستان‌هاست. به مدایح فردوسی و وصف حال او و گله و شکایت‌های او از روزگار و پیری و فقر فقط اشاره شده است. جز این، بسیاری از خطابه‌های پادشاهان، نامه‌ها، گفتگوها، پندنامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها، پرسش و پاسخ‌ها و ابیات توصیفی رزم و بزم و پذیره شدن و شکوه و جلال دربار شاهی و شکار و چوگان‌بازی و مراسم سوگواری و ... حذف یا تلخیص شده است. در این ترجمه بیش از ۴۰ بیت از ابیات شاهنامه به نظم عربی ترجمه شده است؛ از آن جمله است ابیاتی در رثای فرزند فردوسی، وصف رستم، اسفندیار، بهرام گور و چند بیت هم در پند و حکمت. علاوه بر این، هر جا فردوسی در مدح محمود شعری سروده، بنداری به پیروی از سبک و شیوه شاعر، به مدح شاه عصر خود پرداخته است. در خلاصه داستان‌های این ترجمه کتاب‌های دیگری نیز مانند تاریخ طبری، کتاب حمزه اصفهانی و تاریخ مسعودی مورد نظر بوده و توضیحاتی نیز درباره برخی شخصیت‌ها مانند دقیقی، زردشت، انوشیروان، شاپور اردشیر و بهرام چوبینه در آغاز یا پایان داستان‌ها آورده شده است. همان‌طور که ذکر شد، این ترجمه از مهم‌ترین و معتبرترین منابع شاهنامه‌پژوهی است که در تصحیح و خلاصه و تحلیل شاهنامه همواره مورد توجه، استناد و استفاده مصححان و پژوهشگران بوده است.

منتخبات شاهنامه در هند

سرزمین هند از دیرباز با شاهنامه فردوسی پیوندی نزدیک و ناگسستنی داشته است و شاهنامه یکی از ارزشمندترین گنجینه‌های نگارستان‌ها، موزه‌ها و کتابخانه‌های شبه‌قاره هند بوده به طوری که به سادگی با *مهابهاراتا* و *رامایانا*، دو آفریده حماسی بزرگ آریایی در هند، در خور سنجش بوده است (عابدی، ۱۳۷۰: ۳۳۷). به امر پادشاهان این سرزمین، نسخه‌های بسیاری از تمام و یا بخش‌هایی از شاهنامه به وسیله خوش‌نویسان استنساخ می‌شده و نسخه‌های شاهنامه، گرانباترین هدیه‌هایی بوده که به شاهان تقدیم می‌شده است. گواه این مدعا، نسخه‌های خطی و چاپی فراوانی است که در گوشه و

کنار هند نگه‌داری می‌شود. علاوه بر این، شاهنامه برای اولین بار نیز در سال ۱۸۱۱ میلادی در سرزمین هند به چاپ رسیده است.

اولین نسخه‌ای که به نام خلاصه شاهنامه تدوین شد نیز متعلق به سرزمین هند بوده است. این خلاصه که به نام‌های منتخب شاهنامه، تاریخ دلگشا و تاریخ شمشیرخانی در هند مشهور است برای شمشیرخان، حاکم غزنی، فراهم آمده است. در مقدمه کتاب که به نثر مصنوع و متکلف نگارش یافته، پس از نعت حضرت رسول (ص) در بیان سبب و انگیزه فراهم آوردن این مجموعه آمده است: «این رساله مختصر در هنگام ۱۰۶۳ هجری مطابق سنه ۲۶ جلوس همایون صاحب‌قران ثانی، شاه جهان، پادشاه غازی، ترتیب یافته ... باعث تحریر ... آن بود که خان عالی‌شان، شمشیرخان، حاکم غزنی، روزی ... بر سیل اتفاق به یاران سخن‌دان ... اشاره نمود که اگر کتاب تاریخی به هم رسد از احوال پادشاهان ماضی به طریق اجمال ... بسیار خوب است. حضار مجلس جواب دادند ... به از شاهنامه هیچ کتابی نیست. خان ... گفت که شاهنامه فردوسی بسیار طولانی [است] ... اگر کسی ترجمه نظم شاهنامه را لباس نثر پوشانید ... بس نیکو باشد ... این خاکسار ... این معنی را قبول نمود؛ تا هر که را شوق و اراده بر احوال و اطلاع پادشاهان و نامداران ماسلف شود، از این مختصر به آسانی و خوبی معلوم خود سازد و بعضی بیت‌های شاهنامه را هر جا که مناسب بود و ربط داشت، برای استشهاد و دلیل مقصد آورد و این رساله را تاریخ دلگشای شمشیرخانی نام نهاد» (توکل بیگ، ۱۳۷۸: ۱۴ و ۱۵). این کتاب دوبار در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۴ به ترتیب به کوشش احیا محمد آقازاده (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی) و طاهره پروین اکرم (پژوهشگاه فرهنگ و هنر و مرکز تحقیقات فارسی) تصحیح شده و در ایران و پاکستان به چاپ رسیده است.

در سرآغاز تاریخ دلگشای شمشیرخانی، پنجاه بیت منتخب در موضوع حمد باری تعالی، مدح پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و ابیاتی در مدح محمود غزنوی و سبب نظم شاهنامه آمده است. متن کتاب نیز شامل ذکر احوال پادشاهان اساطیری، پیشدادی و کیانی تا آغاز پادشاهی اردشیر و نام شاهان ساسانی و مدت سلطنت آن‌ها تا پوران‌دخت است که به نثر ساده و روان همراه با منتخبی از ابیات شاهنامه فراهم آمده است. تعداد این ابیات در تصحیح محمد آقازاده حدود ۲۰۷۰ و در تصحیح طاهره اکرم حدود ۱۷۴۰ بیت است. ابیات گزینش شده - صرف نظر از بیت‌های الحاقی - از برجسته‌ترین و مهم‌ترین ابیات

داستان‌هاست. در این مجموعه، همه داستان‌های اصلی شاهنامه و بسیاری از موضوعات و ماجراهای غیراصلی داستان‌ها، خلاصه شده و داستان رستم و سهراب بیش از داستان‌های دیگر مورد توجه قرار گرفته است؛ داستان زال و رودابه و بخش زیادی از جنگ بزرگ کیخسرو نیز حذف شده است؛ داستان جمشید و دختر کورنگ شاه، برزو و نوازنده‌ای به نام سوسن از جمله داستان‌های الحاقی است که در این کتاب به نثر آمیخته به نظم خلاصه شده است؛ پس از مرگ سهراب نیز ۳۸ بیت درباره رفتن تهمینه نزد رستم و تولد فرامرز نقل شده که در متن و ملحقات هیچ یک از چاپ‌های شاهنامه وجود ندارد. این ابیات در تصحیح نخست تاریخ دلگشا به دلیل ناهماهنگی با داستان در پاورقی ذکر شده و در تصحیح دوم اصلاً به آن اشاره‌ای نشده است. از این رو احتمال دارد این ابیات از سوی کاتبان تاریخ دلگشای شمشیرخانی از منابع دیگری مانند فرامرزنامه به این نسخه راه یافته باشد. جز این، موارد بسیاری در داستان‌ها هست که یا در چاپ‌های موجود شاهنامه نیست و یا با آن تفاوت بسیار دارد؛ برای نمونه به این موارد اشاره می‌شود: سخن مردم به سام که پسرت زال بدیمن است و تو را آفتی خواهد رسید (ص ۴۸)، برده شدن زال همراه یک کاروان و یافتن سیمرغ او را و بردنش نزد سام (ص ۴۸)، رفتن سام به کوه سپند برای کمک به رستم و محاصره آنجا به مدت سی سال و یک ماه (ص ۵۲). دیگر آن که پس از مرگ نوذر، زال به اغریث برادر افراسیاب پیام فرستاد که اگر خودت را به سیستان برسانی، پادشاهی ایران بر تو مسلم خواهد شد (ص ۵۹). اغریث چنین کرد و به این سبب به دست افراسیاب کشته شد (همان جا). در داستان سیاوش نیز سودابه برای بدنام کردن سیاوش، به زنی که به حرام باردار بود می‌گوید: بار بینداز و ادعا کن سیاوش به تو دست درازی کرده است (ص ۱۱۰). در پادشاهی گشتاسب و میهمان شدن او نزد خاندان رستم، پس از آگاه شدن از حمله ارجاسب، گشتاسب به رستم گفت: همراه او بیاید و او پاسخ داد که پس از چند روز خواهد آمد که شاه را ناخوش آمد. بعد از رفتن گشتاسب رستم اعلام کرد که وی را بیماری عارض شده و نمی‌تواند بیاید (ص ۲۰۱). برخی شخصیت‌های داستان نیز در این کتاب با متن شاهنامه مطابقت ندارند، از جمله سیندخت، همشیره زال (ص ۵۰)، گرسیوز، پادشاه بلغار و داماد افراسیاب (ص ۱۰۶ و ۱۱۱) و جریره و تخواره، فرزندان ویسه (ص ۱۳۷) معرفی شده‌اند. موارد دیگر: گلشهر (به جای پیران) پیشنهاد ازدواج با جریره را به سیاوش داد (ص ۱۱۵). افراسیاب (به جای سیاوش) نام فرزند جریره را فرود نهاد (ص ۱۱۷)، شب تولد کیخسرو،

افراسیاب (به جای پیران) سیاوش را به خواب دید (ص ۱۲۰)، و بسیار موارد دیگر که اندکی از آن‌ها که اشتباه تشخیص داده شده از سوی آقازاده، مصحح کتاب، در متن اصلاح شده و یا تفاوت آن‌ها با متن شاهنامه ژول مول، مسکو و انتشارات امیرکبیر در پاورقی ذکر گردیده و بسیاری دیگر بدون هیچ توضیح و اشارهای در متن باقی مانده است.

به نظر می‌رسد علت تفاوت‌های بسیار متن تاریخ دلگشا با شاهنامه‌های موجود، علاوه بر وجود ابیات الحاقی بسیار در نسخه مورد استفاده توکل بیک، نقص، جابه‌جایی و یا افتادگی برخی بیت‌ها در نسخه و در نتیجه عدم دریافت صحیح از ابیات بوده است. جز این، جای هیچ شکی نیست که توکل بیک در برخی داستان‌ها به منابع دیگری جز شاهنامه نیز نظر داشته است.

اگرچه متن خلاصه شده به تبعیت از شاهنامه به زبان ساده نگارش یافته است، با وجود این تعداد واژه‌های عربی و غیرعربی متن بسیار است؛ واژه‌هایی مانند: کنجکه، خودکیز، قابو، یلغار، مهام، غنیم، افواه، محظوظ، بعده، تصدیع، مشهد، استفسار، مضمی ماضی، طرفه العین، بنی عم و ... در پایان این خلاصه پس از ذکر روایتی درباره فردوسی و محمود غزنوی ۴۵ بیت از هجوتنامه منسوب به فردوسی نقل شده است.

مجتبی مینوی به دو نسخه خطی از منتخبات شاهنامه اشاره کرده که یکی از آن‌ها منتخب شاهجهانی است (مینوی، ۱۳۵۴: ۱۵۱). در منابع کتبی و شفاهی از این نسخه نام و نشانی به دست نیامد جز این که نسخه‌ای هست به نام منتخب الّغه شاهجهانی در توضیح واژه‌های شاهنامه فردوسی که میکروفیلم آن در کتابخانه آستان قدس نیز موجود است. دور نیست که نسخه مورد اشاره مینوی همین تاریخ دلگشای شمشیرخانی باشد که در بیست و ششمین سال جلوس شاهجهان به اتمام رسید، در غیر این صورت بعید به نظر می‌رسد نسخه‌ای که مینوی بالنسبه معروف معرفی کرده، در فهرست نسخ خطی و چاپی شاهنامه در هند و اشارات شاهنامه پژوهان نیامده باشد. ذبیح‌الله صفا نیز از همین تاریخ دلگشا به نام منتخب‌التواریخ نام برده است (صفا، ۱۳۳۳: ۲۱۶).

شمار فراوان نسخه‌های خطی تاریخ دلگشای شمشیرخانی حاکی از آن است که این خلاصه در هند و پاکستان مورد پسند علاقه‌مندان به شاهنامه واقع شده است. تعداد ۶۱ نسخه از این خلاصه در کتابخانه‌های مختلف هند شناسایی شده است (قاسمی، ۱۹۹۵: ۴۶-۵۷). شمار دست‌نوشته‌های این اثر

در کتابخانه‌های پاکستان نیز به ۵۰ می‌رسد (اکرم، ۱۳۸۴: پانزده). علاوه بر این، تاریخ دلگشای شمشیرخانی، دوبار در سال‌های ۱۱۷۸ و ۱۲۳۷ هجری قمری خلاصه و به زبان‌های هندی و اردو نیز ترجمه و چندین بار تجدید چاپ شده است. جی. اتکینسن^۱ خلاصه شاهنامه فردوسی را در سال ۱۸۳۲ میلادی به انگلیسی برگردانده و به چاپ رسانیده است. در فهرست نسخ خطی شاهنامه در هند، از خلاصه دیگری به نام فصاحت البیان نیز نام برده شده که هردهیان سینگ ابن دیوان شیولال نامی در سال ۱۲۴۹ هجری قمری به تقاضای نواب محمدعلی خان بهادر والی اوده نوشته است. عابدی نیز از خلاصه شاهنامه‌ای به نام شاهنامه بخت آورخان یاد کرده که به دست بهادرخان عالمگیر شاهی فراهم آمده و دستنویس آن در کتابخانه دانشگاه بمبئی موجود است (عابدی، ۱۳۷۰: ۳۴۰).

علاوه بر نسخ مربوط به تاریخ دلگشای شمشیرخانی و خلاصه و ترجمه‌های آن که به هفتاد نسخه بالغ می‌شود، در فهرست مذکور، حدود سی گزیده دیگر معرفی شده که اغلب آن‌ها داستان‌های منتخب شاهنامه به ویژه داستان رستم و سهراب، رستم و اسفندیار و نسخه‌های مربوط به مجالس شاهنامه است. تعدادی از گزیده‌ها نیز برای آموزش نظامی در مدارس و امتحان افسران ارتش فراهم آمده است. این تعداد نسخه تنها بخشی از نسخه‌های موجود از منتخبات شاهنامه در کتابخانه‌های هند دانسته شده است (قاسمی، ۱۹۹۵: ۶۹).

تعدادی از این نسخه‌ها در کتابخانه‌های ایران نیز موجود است؛ از جمله یک نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی به نام شاهنامه مشهور از ارجانی شوشتری در ۹۲۰ صفحه، متعلق به قرن یازدهم هجری است. مؤلف این اثر از ملازمان دربار جلال‌الدین اکبر و پسرش جهانگیر بوده و در سال ۱۰۰۴ هجری قمری به امر جلال‌الدین اکبر، شاهنامه فردوسی را به نثر درآورده تا فهم آن برای همه مردم از عام و خاص میسر باشد. این نسخه فقط خلاصه مشهور پادشاهی کیخسرو از شاهنامه فردوسی است که در مقدمه در بیان دلایل فراهم آوردن آن آمده است: «و توان گفت که از برای عمل کردن پادشاهان، به از این کتاب، کتاب دیگری نیست و این که در معرکه‌ها می‌خوانند یک دلیل خوبی است، لیکن چون مشکل بود و نظم بود کم کسی از آن محظوظ و بهره‌مند می‌شد و حالا که به فرمان واجب الاذعان بندگان

حضرت، این کمترین مریدان به اخلاص، این کتاب عزیزالخطاب را از قید نظم فرس دری و پهلوی برآورده به نثر عام فهم خاص پسند سربلند گردانید طبایع اکثر خوبان عالم به خواندن آن میل می نمایند و اکثر مردم به حلیه دانش ها و زیور ملکات متین فایز می گردند» (شوشتری، ۱۰۰۴ هـ.ق: ۵ و ۶).

در این خلاصه، تقریباً همه موضوعات و ماجراهای داستان به نثر درآمده و ابیاتی از شاهنامه انتخاب و شواهدی از شعر شعرای بزرگ مانند نظامی، سنایی، حافظ و سعدی با ذکر نام نقل شده و برخی بیت-ها نیز بدون نام شاعر آمده است؛ خلاصه و بازگردانی ابیات با دقت صورت گرفته و برخی وقایع داستان، شرح و تفسیر شده است؛ داستان های برزو و سوسن رامشگر نیز از داستان های است که خلاصه آن در این متن آمده است.

یکی دیگر از نسخه های موجود در کتابخانه ملی منتخبی است از شاهنامه فردوسی که «جهت طلبان پرویس اگزانش و اسکول های سرکاری در سنه ۱۹۱۲ و ۱۹۱۴ عیسوی» به اهتمام جمناداس بگوانداس فراهم آمده است. این منتخب شامل تمام ابیات مربوط به دیباچه و بخش اساطیری شاهنامه تا آغاز پادشاهی منوچهر و حدود چهل عنوان و یک واژه نامه مختصر در انتهای نسخه است.

نسخه خطی دیگری به نام تاریخ سلاطین عجم از میرزا احمد وقار فرزند وصال شیرازی در دست است که در سال ۱۲۸۱ هجری قمری در ۳۰۵ برگ فراهم آمده است. این نسخه درباره سرگذشت پادشاهان پیشدادی و کیانی و ساسانی از روی مدارک قدیمی همچون تاریخ طبری و شاهنامه فردوسی و حاوی کلمات برگزیده بزرگان تاریخ است.

یک نسخه چاپ سنگی بدون تاریخ نیز به نام منتخب شاهنامه و اشعار منوچهری در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. این منتخب شامل تمام ابیات نبرد رستم و سهراب، کشته شدن اشکبوس به دست رستم و داستان اردشیر از تولد تا آگاهی یافتن وی از وجود پسرش شاپور است که هر سه داستان از پر مخاطب ترین داستان های شاهنامه است.

جز این ها، نسخه های خطی و چاپی دیگری نیز به نظم و نثر با عنوان گزیده های شاهنامه فردوسی در بخش نسخ خطی و چاپی کتابخانه ملی موجود است که هیچ کدام از فردوسی نیست. برای نمونه در معرفی یک نسخه خطی به نام برگزیده شاهنامه فردوسی که دارای رطوبت دیدگی و گسستگی اوراق و افتادگی صفحات بوده، آمده است: «م احتمالاً هند، قرن ۱۳ هجری». این نسخه در ۳۱۸ صفحه و حدود

۱۳۰۰۰ بیت فراهم آمده است. کاتب در پایان، نسخه خود را «قصه کوه دماوند» نامیده است. در آغاز این نسخه ابیاتی از شاهنامه فردوسی نقل شده است. پس شاید بتوان ابیات برگزیده‌ای از شاهنامه را نیز در داستان‌های حماسی حماسه‌سرایان پس از فردوسی جستجو کرد.

بعضی از حماسه‌سرایان، بخشی از متن شاهنامه را در اثر خود غالباً بدین منظور نقل کرده‌اند که جای داستان خود و نسبت پهلوان آن را در پیکره اصلی شاهنامه تعیین کنند و نشان دهند که آن شاخه از چه نقطه‌هایی از تنه تنومند این درخت برومند روئیده است. بدین ترتیب ما در حماسه‌هایی چون *برزونامه* و *بیژن نامه* از خواجه عمید عطاء بن ناکوک رازی و *شهریارنامه* از بهاء‌الدین عثمان بن عمر مختاری غزنوی به بخش‌هایی از شاهنامه برمی‌خوریم که چون تاریخ سرایش این حماسه‌ها از تاریخ دستنویس‌های موجود شاهنامه کهن‌تر است و مقولات آن‌ها از شاهنامه به دستنویس‌های متعلق به سده پنجم برمی‌گردد، ممکن است به تصحیح شاهنامه و حل برخی از دشواری‌های متن آن کمک کند (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۲۸۵-۲۸۶). برای نمونه در *شهریارنامه* ۱۳۷ بیت از ابیات داستان اسفندیار نقل شده که جلال‌الدین همایی از تعدادی از این ابیات که در شاهنامه‌های موجود نبوده با تعبیر «اشعار گمشده شاهنامه» یاد کرده است.

سفینه‌ها و جنگ‌ها نیز گنجینه ارزشمندی از ابیات شاهنامه به شمار می‌آیند. در سفینه تبریز ۱۲۴۵ بیت از برجسته‌ترین ابیات شاهنامه گزینش شده که شامل داستان رستم و سهراب (۱۰۲۰ بیت)، داستان رستم و اکوان دیو (۱۸۶ بیت)، داستان رستم و اسفندیار (۱۰ بیت) و دیگر بخش‌های شاهنامه (۱۳ بیت) است. این ابیات نیز می‌تواند در تصحیح و تأیید برخی ضبط‌های دشوار شاهنامه مورد استفاده قرار گیرد (آیدنلو، ۱۳۸۶: ۲۳۳-۲۴۸). در تذکره‌های متعدد هم منتخباتی از بخش‌هایی از شاهنامه آمده که هر کدام سلیقه و سوی فکری پدیدآورندگان این تذکره‌ها را نشان می‌دهد.

علاوه بر این، حجم نسبتاً زیادی از شاهبیت‌های شاهنامه، زینت بخش آثار منثور آمیخته به نظم نیز بوده است. برخی از تألیفات سده‌های ششم و هفتم که در آن‌ها ابیاتی از شاهنامه ذکر شده، به این قرار است: *چهار مقاله نظامی عروضی* (۵۵۱-۵۵۲ هجری) ۲۲ بیت + ۶ بیت از *هجونامه*، *خردنامه* از ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی (سده ششم هجری) ۲۵۲ بیت، *راحة الصائور و آیه السرور* از محمد بن علی بن سلیمان راوندی (۵۹۹ هجری) به شمارش مصحح کتاب، محمد اقبال، ۶۷۶ بیت، *فرائد السلوک فی فضائل*

الملوک از شمس سجاسی (۶۰۹ هجری) حدود ۷۰ بیت، مرزبان نامه از سعدالدین وراوینی (۶۰۷ – ۶۲۲ هجری) ۳۰ تا ۳۳ بیت (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۲۹۷). سید حسن کلاتری نیز در پایان نامه‌ای که با عنوان «بررسی اشعار شاهنامه فردوسی در آثار مشهور تا قرن هشتم» فراهم آورده، تعداد ابیات به کاررفته در برخی آثار را به این شرح احصا کرده است: تاریخ جهانگشای جوینی (۶۵۸ هجری) ۸۵ بیت، تاریخ و صّاف الحضرة (قرن هفتم و هشتم) ۱۰۴ بیت و ۲ مصراع، جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی (قرن هشتم) ۲۷ بیت و تاریخ گزیده حمدالله مستوفی (۷۳۰ هجری) ۲۸ بیت؛ در تذکره عرفات العاشقین از تقی الدین محمد اوحدی بلیانی (۲۸۱۲/۵) هم ۳۷ بیت آمده است.

در پژوهشی دیگر، ابیات پراکنده شاهنامه در برخی متون نثر فارسی مانند تفسیر ابوالفتح رازی (۵۳۰-۵۴۰ هجری)، اغراض السیاسة فی اغراض الریاسة از محمد بن علی الظهیری الکاتب السمرقندی (۵۵۲ هجری) و شرح اخبار و ابیات و امثال عربی کلیله و دمنه (قرن هفتم)، بررسی شده و اهمیت آن‌ها در تصحیح ابیات شاهنامه مورد توجه قرار گرفته است (یاحقی، ۱۳۸۷: ۵۹-۶۹). این آثار می‌تواند نمونه‌های بسیار ارزشمندی از منتخبات شاهنامه فردوسی به شمار آید و در تصحیح بسیاری از دشواری‌های شاهنامه نیز مؤثر واقع شود. از این رو پژوهش گسترده درباره این منابع و نسخ خطی و چاپی منتخبات شاهنامه و سفینه‌ها اقدامی ضروری در زمینه شاهنامه‌پژوهی به نظر می‌رسد؛ زیرا به طور قطع نسخی از گزیده‌های شاهنامه را در کتابخانه‌های عالم می‌توان یافت که تعدادی از آن‌ها فهرست نشده و ناشناخته مانده است.

اولین گزیده‌های چاپی شاهنامه

به استناد کتاب‌شناسی فردوسی ایرج افشار، اولین گزیده چاپی شاهنامه در سال ۱۸۰۱ میلادی به وسیله هاگمن (E.G.Hagemann) در اروپا به طبع رسید. پس از آن در فاصله سال‌های ۱۸۱۴ تا ۱۹۲۶ میلادی، اتکینسن (Atkinson)، موهل (Mohl)، فولرس (Vullers)، کمال، چثرت (Jarret)، پیزی (Pizzi)، پاشازاده و یوسف ضیا^۲، کنگا (Kanga)، انتیا (Antia)، جعفری زینبی و دیگران منتخباتی از شاهنامه را در کلکته، بمبئی، استامبول، الله‌آباد و تاشکند به چاپ رساندند. در ایران نیز اولین گزیده چاپی شاهنامه در سال ۱۳۰۶ به وسیله بدیع الزمان فروزانفر برای دبیرستان زردشتیان فراهم شد.^۳ نصایح فردوسی از رشید یاسمی یکی دیگر از گزیده‌های ارزشمند شاهنامه است که در سال ۱۳۰۷

هجری شمسی به چاپ رسید (افشار، ۱۳۵۵/۲۵۳۵: ۲۸۱-۲۸۳). در این گزیده حدود ۱۶۰۰ بیت از بهترین ابیات اندرزی شاهنامه ذیل هفتاد عنوان فراهم آمده است. پس از آن محمدعلی فروغی در سال ۱۳۱۳ اولین خلاصه منظوم و کامل شاهنامه فردوسی را فراهم آورد که از برجسته‌ترین و گرانقدرترین خلاصه‌ها و گزیده‌های شاهنامه به‌شمار می‌آید. خلاصه منظوم شاهنامه کار بسیار دشوار و زمان‌گیری بود که فروغی با وجود اشتغال به کارهای دولتی آن را با دقت و حوصله انجام داد و کار او سرمشق و الگویی برای گزیده‌نویسان بعدی شد.

این خلاصه پس از دو مقدمه ارزشمند درباره فردوسی و اهمیت شاهنامه در هجده جزوه یا بخش فراهم آمده است که هر یک داستانی مستقل و یا وقایع مربوط به یکدیگر را تشکیل می‌دهد. ابیات این خلاصه از میان برجسته‌ترین ابیات شاهنامه با دقت خاصی گزینش شده و بیشترین حجم ابیات منتخب به بخش حماسی یا پهلوانی شاهنامه به‌ویژه داستان‌های هفت‌خان رستم، هفت‌خان اسفندیار و رستم و اسفندیار با گزینش حدود ۶۸، ۶۰ و ۵۷ درصد ابیات شاهنامه بایستقیری اختصاص یافته است؛ انتخاب ابیات بر مبنای شاهنامه بایستقیری و مقابله برخی ابیات نسخه‌های کهن‌تر شاهنامه و به‌ویژه با عکس نسخه مورخ ۷۹۶ قاهره و چاپ فولرس صورت گرفته و آنجا که اشکالی در فهم بیتی پیش می‌آمده یا مشکلی در اصالت ابیات و ضبط الفاظی حاصل می‌شد به آن منابع مراجعه می‌شده است (مینوی، ۱۳۵۰: ۶۸۲).

فروغی از اولین کسانی بود که به وجود ابیات الحاقی و تصرفات بسیار در شاهنامه پی برد. وی پس از اتمام کار، در پایان خلاصه شاهنامه ضمن اشاره به این موضوع می‌نویسد: «برای اینجانب به دلیل کثرت مشغله و ضیق مجال و فراهم نبودن اسباب، ممکن نبود در حین طبع این خلاصه، در این باب اهتمام وافی نمایم» (فروغی، ۱۳۶۲: ۵۱-۵۲). او همچنین از نخستین کسانی بود که شیوه تصحیح شاهنامه، تأکید بر رد انتساب منظومه یوسف و زلیخا به فردوسی، تردید در هجونا‌مه و تأکید بر اهمیت و جایگاه ممتاز شاهنامه در زبان فارسی را مطرح کرد (باحقی، ۱۳۸۸: ۲۱۶).

یکی دیگر از خدمات ارزنده فروغی در عرصه شاهنامه‌پژوهی تعیین سال ۱۳۱۳ به عنوان هزاره فردوسی بود. جشن‌های هزاره که در تهران، مشهد، طوس و همزمان در کشورهای فرانسه، انگلیس، مصر، عراق و تعدادی از کشورهای دیگر برپا شد رویداد مهمی بود که یکی از نتایج آن انتشار شمار

زیادی از آثار پژوهشگران در داخل و خارج از کشور در زمینه فردوسی‌شناسی بود (شهبازی، ۱۳۸۷: ۲۶۳). به گونه‌ای که در آن سال چند شاهنامه کامل و منتخب در ایران انتشار یافت (افشار، ۱۳۵۵/۲۵۳۵: ۴۲).

همزمان با خلاصه شاهنامه فروغی، چند گزیده دیگر به نام‌های هزار بیت از شاهنامه به یادگار هزارمین سال به جهان آمدن فردوسی، رستم و سهراب از محمد مقدم و منتخبات شاهنامه فردوسی از محمد جواد تربتی برای جشن هزاره فردوسی منتشر شد و پس از آن چند گزیده دیگر از شاهنامه در عشق‌آباد و بمبئی و ایران به وسیله منافزاده و شرف‌الدین الکتبی و محمد گنابادی و ذبیح‌الله قدیمی^۴ به طبع رسید.

در سال ۱۳۲۱ دومین گزیده ارزشمند فروغی به نام منتخب شاهنامه برای دبیرستان‌ها به نظم و نثر با همکاری حبیب یغمایی منتشر شد. فروغی برای تهیه این منتخب، نسخه‌هایی معتبر از کتابخانه ملی به امانت گرفت و ترجمه مهل فرانسوی را با نسخه‌های دیگر پیش رو گذاشت و با همکاری یغمایی بیش از دو سال به انتخاب و تصحیح ابیات مشغول بود. وی با وجود اشتغال به کارهای مهم دولتی و گرفتاری بسیار، هرگز از این خدمت غافل نماند، حتی نمونه‌ای از کار را در بستر مرگ ملاحظه و تصحیح کرد (فروغی، ۱۳۵۴: ۵۴۹).

فروغی در این منتخب نیز همچون خلاصه شاهنامه حتی الامکان به تمام وقایع و داستان‌های اصلی شاهنامه پرداخته است به طوری که هم خواننده بر کل روایات شاهنامه آگاهی حاصل می‌کند و هم رشته مطالب گسسته نمی‌شود. شیوه و اساس گزینش ابیات و داستان‌های این منتخب نیز تقریباً همانند خلاصه منظوم شاهنامه است، جز این که در این منتخب به دلیل به کارگیری زبان نثر برای پیوند بخش‌های مختلف داستان‌ها، مجال پرداختن به برخی رخدادهای فرعی بیشتر بوده و حذف ابیات توصیفی غیر ضروری و پرداختن به موضوع اصلی داستان، حجم منتخب شاهنامه را نیز بسیار کاهش داده است. از طرف دیگر، روایت بخش‌هایی از داستان به نثر فرصت مناسبی را برای فروغی فراهم آورده که با دقت و وسواس بیشتری به گزینش ابیات برجسته شاهنامه پردازد و در انتخاب بهترین ابیات شاهنامه هنرنمایی کند. به گونه‌ای که در این منتخب، برخی داستان‌های الحاقی خلاصه شاهنامه مانند داستان کودکی رستم، کشتن پیل سپید و رفتن به کوه سپند، به صورت نثر خلاصه شده

و از طرف دیگر، حجم ابیات منتخب در برخی داستان‌ها مانند داستان رستم و اسفندیار از تعداد ابیات همین داستان در خلاصه منظوم او بیشتر شده است. به عبارتی فراهم آوردن این منتخب، فرصتی برای بازبینی مجدد ابیات خلاصه شاهنامه و تصحیح دوباره آن نیز بوده است.

این کتاب نیز در میان خلاصه‌ها و منتخبات شاهنامه، جایگاه نخست را به خود اختصاص داده، به گونه‌ای که تقریباً همه خلاصه‌ها و گزیده‌های پس از منتخب شاهنامه فروغی به آن تأسی جسته و از آن تأثیر و الهام گرفته‌اند. منتخب شاهنامه برای دبیرستان‌ها، خلاصه‌ای دقیق و کم‌عیب است که صرف نظر از برخی ابیات الحاقی منقول از نسخه اساس‌های موجود در زمان تهیه این منتخب، ایرادی بر آن وارد نیست. این ابیات در بهین‌نامه باستان با ابیات شاهنامه مسکو و در چنین گفت دهقان (مشهد، به‌نشر ۱۳۹۴) با چاپ خالقی مطلق مطابقت داده شده و تا حد زیادی این نقص برطرف گردیده است. با وجود این اکنون نیز پس از گذشت سال‌ها و انتشار صدها گزیده و خلاصه به نظم و نثر، هنوز منتخب شاهنامه فروغی جایگاه خود را به عنوان بهترین گزیده شاهنامه فردوسی حفظ کرده است.

نتیجه‌گیری

بررسی گزیده‌ها و منتخبات شاهنامه فردوسی در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد که شاهنامه از دیرباز به عنوان یک اثر بزرگ حماسی، در مقیاسی وسیع و جهانی مورد توجه بوده و مخاطب‌های گوناگونی از همه طیف‌ها داشته است؛ به گونه‌ای که نخستین و بیشترین گزیده‌ها و منتخبات از شاهنامه در آن سوی مرزهای ایران کنونی فراهم آمده و به استناد کتاب‌شناسی ایرج افشار، تا سال ۱۹۷۴ میلادی به ۲۷ زبان زنده دنیا ترجمه شده است. معروف‌ترین و کهن‌ترین ترجمه شاهنامه، تحریر عربی فتح ابن علی بنداری، متعلق به قرن ششم است. سبک خاص بنداری در ترجمه، تحریر او را در زمره بهترین تلخیص‌های شاهنامه قرار داده است. نخستین خلاصه شاهنامه و بیشترین نسخه‌های خطی گزیده‌های شاهنامه نیز در هند فراهم آمده است.

تا عصر حاضر در ایران، بیش از آن که گزیده‌نویسی ابیات شاهنامه رواج داشته باشد اغلب نظیره‌نویسی شاهنامه و خلق حماسه‌های مصنوع مورد توجه خواص و گزیده‌خوانی ابیات شاهنامه به وسیله نقالان مورد استقبال عوام بوده است. سنت گزیده‌نویسی ابیات شاهنامه در ایران به معنی اخص، پس از سال ۱۳۱۳ و برپایی جشن هزاره فردوسی و انتشار اولین خلاصه کامل شاهنامه از

محمدعلی فروغی رایج شد و تا کنون صدها گزیده و منتخب در موضوعات مختلف شاهنامه فراهم آمده است.

یادداشت ها

- ۱- محمود امیدسالار در مقاله‌ای با عنوان «مسعود سعد سلمان و شاهنامه فردوسی»، انتساب کتابی به نام/اختیارات شاهنامه را به مسعود سعد رد کرده و احتمال داده است که عوفی در این انتساب دچار اشتباه شده است (امیدسالار، ۱۳۸۱: ۲۲۴).
- ۲- دبیرسیاقی در مقاله «منتخبات شهنامه فردوسی» گزیده شاهنامه یوسف ضیا را که صد و بیست و سه سال پیش فراهم شده و در سال ۱۳۰۶ در استانبول به چاپ رسیده معرفی کرده و تجدید چاپ آن را سودمند دانسته است.
- ۳- آیدنلو احتمال داده است که منتخب شاهنامه فروزانفر همان ۱۰۳۲ بیتی باشد که در پایان فصل فردوسی در کتاب سخن و سخنوران نقل شده است.
- ۴- در کتاب‌شناسی ایرج افشار به اشتباه برگزیده داستان‌های شاهنامه از ذبیح‌الله قدیمی پیش از خلاصه شاهنامه فروغی و مربوط به سال ۱۳۴۹ هجری قمری ذکر شده است؛ در صورتی که بخشی از ابیات منتخب در این گزیده از خلاصه شاهنامه فروغی اقتباس شده است.

کتابنامه

- آیدنلو، سجّاد. (۱۳۸۳). «فزون ز جاه ملوک است جاه فردوسی». سخن آشنا (یادنامه استاد فروزانفر). شیراز: داستان‌سرا. ۲۲۵-۲۴۳.
- _____ . (۱۳۸۶). نارسیده ترنج. چاپ اول. اصفهان: نقش مانا.
- ارجانی شوشتری. (۱۰۰۴). شاهنامه مشور. تهران: کتابخانه ملی ایران.
- افشار، ایرج. (۱۳۸۳). کتاب‌شناسی فردوسی. چاپ سوم. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- _____ . (۲۵۳۵). شاهنامه از خطی تا چاپی. تهران: نقش جهان.
- امیدسالار، محمود. (۱۳۸۱). جستارهای شاهنامه‌شناسی و مباحث دیگر ادبی. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.

- تقی‌الدین محمد اوحدی دقاقی بلیانی. (۱۳۸۸). *تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین*. ۷ جلد. مقدمه، تصحیح و تحقیق سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- توکل بیک. (۱۳۷۸). *تاریخ دلگشا*. تصحیح احیا محمد آقازاده. چاپ اول. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- _____ . (۱۳۸۴). *تاریخ دلگشای شمشیرخانی*. تصحیح طاهره پروین اکرم. اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- جمناداس بگوانداس. (۱۹۱۴ - ۱۹۱۲). *منتخب شاهنامه*. تهران: کتابخانه ملی ایران.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۶). «اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح شاهنامه». *سخن‌های دیرینه (مجموعه مقالات درباره فردوسی و شاهنامه)*. به کوشش علی دهباشی. چاپ دوم. تهران: نشر افکار. ۲۸۵-۳۱۲.
- _____ . (۱۳۷۲). «اختیارات شاهنامه». هستی. سال اول. شماره سوم. پاییز. ۱۰۲-۱۱۸.
- دیرسیافی، سید محمد. (۱۳۸۷). «منتخبات شهنامه فردوسی». پاز. سال اول. شماره ۴. ۲۱۳-۲۱۸.
- ریاحی، محمدامین. (۱۳۸۲). *سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی*. چاپ سوم. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شهبازی، علیرضا. (۱۳۸۷). «جشن هزاره فردوسی». ترجمه سلمان ساکت. پاز. سال اول. شماره ۴. زمستان. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۳۳). *حماسه سرایی در ایران*. تهران: پیروز.
- عابدی، حسن. (۱۳۷۰). «شاهنامه و هند». *فردوسی و شاهنامه*. مجموعه سی‌وشش گفتار. به کوشش علی دهباشی. تهران: مدبر. ۳۳۷-۳۴۶.
- علی بن احمد. (۱۳۷۹). *اختیارات شاهنامه*. تصحیح مصطفی جیحونی و محمد فشارکی. چاپ اول. مشهد: مرکز خراسان‌شناسی.
- عوفی، محمد. (۱۳۳۵). *لباب الالباب*. به کوشش سعید نفیسی. تهران: ابن‌سینا.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). *شاهنامه*. ترجمه عربی فتح بن علی محمد بنداری. تصحیح محمد عبدالوهاب عزام. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فروغی، محمدعلی. (۱۳۶۲). *خلاصه شاهنامه*. چاپ دوم. تهران: سعدی.
- _____ ؛ یغمایی، حبیب. (۱۳۵۴). *منتخب شاهنامه فردوسی برای دبیرستان‌ها*. تهران: شرکت آبو.
- قاسمی، شریف حسین. (۱۹۹۵ م). *فهرست نسخ خطی و چاپی شاهنامه فردوسی در هند*. بمبئی: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.

کلاتری، حسن. (۱۳۸۰). بررسی اشعار شاهنامه فردوسی در آثار مشهور تا قرن هشتم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی تربیت معلم تهران.

محبوب، محمد جعفر. (۱۳۸۷). آفرین فردوسی. چاپ سوم. تهران: مروارید.

منتخب شاهنامه و اشعار منوچهری. نویسنده ناشناس. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی. شماره ۴۹۶.

مینوی، مجتبی. (۱۳۵۴). فردوسی و شعر او. چاپ دوم. تهران: کتابفروشی دهخدا.

_____ (۱۳۵۰). «محمدعلی فروغی». مجله راهنمای کتاب. جلد ۱۴. ۶۷۴-۶۸۵.

وقار، میرزا احمد. (۱۲۸۱). تاریخ سلاطین عجم. تهران: کتابخانه ملی ایران.

یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۸). «فروغی و فردوسی». از پاتر تا دروازه رزان. چاپ اول. تهران: سخن. ۱۹۹-۲۱۸.

_____ (۱۳۸۷). «مویی به ریسمان؛ تصحیح چند بیت از شاهنامه». فصلنامه پاتر. سال اول. شماره

۴. ۵۹-۷۰.

_____ (۱۳۹۰). «شاهنامه بنداری». فردوسی و شاهنامه سرایی. فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

نوشته جلال خالقی مطلق و دیگران. زیر نظر اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

صص ۹۳۷-۹۴۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی